

فصلنامه علمی رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره شایه: 1735-739X

دوره ۱۳، شماره ۱ (پیاپی ۶۷)، پاییز ۱۴۰۰

DOI:10.29252/PIAJ.2021.214723.0

خوانش اندیشه سیاسی نصرالله منشی در مقدمه کلیله و دمنه بهرام‌شاهی بر اساس روش هرمنوتیک قصدگرایی اسکینر

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۸

سیدکاظم سیدباقری*

مهدی حسینی باقری شریف‌آباد**

چکیده

یکی از منابع مهم تاریخ اندیشه سیاسی در ایران متون ادبی به جا مانده از گذشته است. نکته حایز اهمیت برای بازیابی این اندیشه‌ها، شیوه و روش فهم، دریافت و بازخوانی مفاهیم مورد نظر در آن‌هاست. کلیله و دمنه یکی از این متون است که محتوای آن قرابت بسیاری با سیاست و شیوه‌های حکمرانی دارد. یکی از روش‌هایی که به یاری آن می‌توان به استخراج مفاهیم سیاسی از متون گذشته پرداخت، روش هرمنوتیک قصدگرایی کوئنتین اسکینر است. در این مقاله با مبنای قرار دادن این روش، تلاش شده با توجه به زمینه و زمانه نصرالله منشی، رئوس مهم تفکر وی در مقدمه‌اش بر ترجمه کلیله و دمنه بازخوانی شود. پرسش اصلی بر گرد مولفه‌های اندیشه سیاسی نصرالله منشی و هدف او از نگارش دیباچه بر ترجمه تنظیم شده است و در پاسخ، تاکید شده که می‌توان مولفه‌های اندیشه سیاسی نصرالله منشی را در مواردی چون سلسله مراتبی بودن قدرت، مشروعیت‌بخشی به حاکمیت با بهره از دین، لزوم اطاعت از پادشاهان، همراهی دین و سیاست و عدالت اجتماعی رصد کرد که با طرح آنها در پی مشروعیت‌سازی و توجیه جایگاه پادشاهان در دوران آخر سلسله غزنویان بوده است. اندیشه منشی از این منظر تاکنون، بررسی نشده و همین امر نوآوری نوشته به شمار می‌رود.

واژگان کلیدی: کلیله و دمنه، اندیشه سیاسی ایران و اسلام، نصرالله منشی، هرمنوتیک قصدگرا

صفحات: ۹۷-۱۲۰

* دانشیار علوم

سیاسی پژوهشگاه

فرهنگ و اندیشه

اسلامی

sbaqeri86@

yahoo.com

** استادیار علوم

سیاسی دانشگاه آزاد

اسلامی واحد بافت

(نویسنده مسئول)

mehdi.hassan-

ibakri@gmail.

com

مقدمه

یکی از آثار ادبی مهم در میراث فکری و فرهنگی ایرانیان کتاب «کلیده و دمنه» است که در ردیف اندرنامه‌های بازمانده از ایران باستان قرار می‌گیرد. این اثر در سه قرن اول هجری از زبان پهلوی به عربی برگردانده و در قرن ششم هجری - احتمالاً در سال ۵۳۶ - توسط ابوالمعالی نصرالله منشی به فارسی ترجمه شد. ذبیح‌الله صفا ترجمه وی را نخستین نمونه از آثار نثر مصنوع فارسی می‌داند (صفا، ۱۳۸۵: ۵۴۳). همچنین در تاریخ ادبیات ایران کلیده و دمنه منشی در مقوله ادب تعلیمی قرار می‌گیرد و به لحاظ سبکی در ردیف آثار «نثر فنی» دوره سلجوقی است. «سیروس شمیسا» ویژگی‌های سبکی آن را کثرت لغات و اصطلاحات عربی، جمع بستن جمع عربی، استفاده از سجع، موازنه و ترصیع، اطناب یا بسط سخن و استفاده از آیات، احادیث، اشعار و ضرب‌المثل‌های عربی برمی‌شمارد (شمیسا، ۱۳۹۳: ۱۰۸-۱۰۹).

جدا از ارزش‌های ادبی و جایگاه کلیده و دمنه در تاریخ ادبیات ایران، این اثر در اندیشه ایران به ویژه در اندیشه سیاسی، موقعیت ویژه‌ای دارد. بخش مهمی از این امر، مرهون انتقال اندیشه‌های مربوط به جهان‌داری و پادشاهی از ایران باستان به دوره اسلامی است. ترجمه عربی ابن مقفع از کلیده و دمنه در شرایط زمانی ویژه سرزمین‌های اسلامی انجام شد که نشان از اهمیت آن دارد. این کتاب را در یک نگاه می‌توان کتابی درباره شهریاری و پادشاهی نامید. کتابی که نویسندگان آن به رسم مالوف گذشتگان تلاش کرده‌اند تا دقیق، ظریف، آداب و رسوم حکومت را در قالب حکایت‌های زیبا و جذاب و دلنشین برای پادشاهان و کارآموزان این منصب از میان درباریان بیان کنند.

کلیده و دمنه، جدای از آن که حاوی داستان‌ها و حکایت‌های به جا مانده از متن اصلی هندی یا ملحقیات آن، دارای مقدمه‌های چندی است که توسط مترجمین آن نوشته شده است. این مقدمه‌ها از این جهت دارای اهمیت هستند که بیان‌گر اوضاع و احوال روزگار نویسندگان آن‌ها است. یکی از مهم‌ترین این مقدمه‌ها، متنی است که نصرالله منشی، مترجم کلیده و دمنه عربی به فارسی است. محتوای مقدمه منشی را می‌توان شرح حالی دانست از

آنچه در روزگار وی در عرصه‌ی سیاست و اجتماع می‌گذشت. وی که در دوران افول غزنویان می‌زیست تلاش کرده است به مقتضای زمان، شرایط سیاسی و اوضاع حکومتی را در اثرش انعکاس دهد. مقدمه وی به لحاظ شکلی به بخش‌هایی مانند «ذکر القاب ملک بهرامشاه»، «معرفی کلیله و دمنه»، «سخنان منصور خلیفه» و «کیفیت این ترجمه» تقسیم می‌شود.

توجه به این نکته مهم است که انتخاب ترجمه کلیله و دمنه نیز اتفاقی نبوده، کتابی که نوعی سیاست‌نامه و اندرزنامه حکومتی است و در مواردی متعدد، در قالب حکایتها و داستانها و از زبان حیوانات، خواننده خاص و عام را به خرد و خردورزی تشویق می‌کند و به کنایه، شاهان زمانه خویش را بیدار می‌سازد، «بنای ابواب آن بر حکمت و موعظت؛ وانگه آن را در صورت هزل فرانموده تا چنان که خواص مردمان برای شناختن تجارب بدان مایل باشند، عوام به سبب هزل هم بخوانند و به تدریج آن حکمت‌ها در مزاج ایشان متمکن گردد.» (منشی، ۱۳۸۸: ۲۵). به واقع، مترجم، پیامی پنهان به خواننده می‌فرستد که هم او را از ظلمت جهل نجات دهد و هم به طور غیر مستقیم، تعصبات نابجا و اختناق زمانه را به خواننده منتقل می‌کند و هم پادشاه را به تفکر وادارد تا از حوادث روزگار درس آموزد.

جالب توجه آن که نصرالله منشی، «مقید به متابعت از اصل نبوده است و ترجمه و نگارشی آزاد، ساخته و پرداخته است» (منشی، ۱۳۸۸: ۶)، تا هر چه را که لازم می‌دیده است در جای مقتضی، وارد متن کند و بر اثرگذاری آن بیفزاید و جامعه را به سوی هنجارهای جدید و دیگ‌گون، راهبری کند. آن‌چه در ارتباط با پژوهش متونی مانند کلیله و دمنه دارای اهمیت است، فقدان روش‌های علمی و خالی بودن جای تحقیقات بینارشته‌ای در آنها است، هر چند، در برخی از این آثار، نویسندگان به شیوه فهم و دریافت آثار خود اشاره کرده‌اند، به عنوان مثال ابن مقفع در مقدمه خو شیوه فهم و خواندن کلیله و دمنه را نیز شرح داده است. این عبارات دور از روش‌های تفهیمی و تفسیری نیست: «و خواننده این کتاب باید که اصل وضع و غرض که در جمع و تالیف آن بوده است بشناسد، چه اگر این معنی بر وی پوشیده ماند انتفاع او از آن

صورت نبندد و فواید و ثمرات آن را مهتاً نباشد. و اول شرطی طالب این کتاب را حسن قرائت است که اگر در خواندن فرو ماند بتفهم معنی کی تواند رسید؟ زیرا که خط، کالبد معنی است و هر گاه که در آن اشتباهی افتاد ادراک معنای آن ممکن نگردد و چون بر خواندن قادر بود باید که در آن تامل واجب داند و همت در آن نبندد که زودتر به آخر رسد، بل که فواید آن را به آهستگی در طبع جای می دهد» (منشی، ۱۳۸۸: ۳۹).

هرمنوتیک قصدگرای اسکینر از جمله روش‌هایی است که در بازخوانی اندیشه‌ها و همچنین متون قدیمی مورد توجه قرار گرفته و آثار چندی نیز با استفاده از آن نوشته شده است. این روش به دلیل ظرفیت‌هایی که برای تفسیر و فهم متون دارد به عنوان چارچوب نظری این مقاله انتخاب گردیده است. بر این پایه، تلاش شده تا بر اساس رویکرد خاص اسکینر و با توجه به زمانه، زمینه و هم‌چنین متن «دیباجه مترجم» در کلیله و دمنه، اندیشه سیاسی نصرالله منشی واکاوی شود و به این پرسش پاسخ داده شود که اندیشه سیاسی وی در دیباجه کلیله و دمنه دارای چه مولفه‌هایی است و به چه هدفی نگارش یافته است؟

در پاسخ، بر این فرضیه تاکید شده که مولفه‌های اندیشه سیاسی نصرالله منشی را می‌توان در مواردی چون سلسله مراتبی بودن قدرت، مشروعیت‌بخشی به قدرت حاکم با بهره از دین، لزوم اطاعت از پادشاهان، همراهی دین و سیاست و عدالت اجتماعی رصد کرد که در پی مشروعیت‌سازی، تحکیم و توجیه جایگاه پادشاهان آخر سلسله غزنویان، بایستگی خردورزی و پندآموزی آنان و آگاه‌سازی مردم بوده است. برای این کار ابتدا روش هرمنوتیک قصدگرای اسکینر به عنوان چارچوب نظری کار تبیین شده و سپس به زمینه و زمانه، زندگی و احوال نویسنده پرداخته شده و در نهایت، مولفه‌های مرتبط با اندیشه‌ی سیاسی نصرالله منشی در مقدمه بر کلیله و دمنه مورد بررسی قرار گرفته است.

پیشینه پژوهش

کلیله و دمنه همواره جایگاه ویژه‌ای در پژوهش‌های ایرانی داشته است. «سلمانی» و «مجلی‌زاده» (۱۳۹۵) در مقاله‌ای فهرست کتاب‌ها، مقاله‌ها و پایان‌نامه‌های مرتبط با کلیله و دمنه را تدوین کرده‌اند. با نگاهی اجمالی به فهرست‌های ارایه شده در می‌یابیم از مجموع حدود ۲۸۰ اثر معرفی شده، کمتر از ۲۰ اثر در قالب کتاب و پایان‌نامه و مقاله، به مباحث تحلیلی اجتماعی و سیاسی در این کتاب اختصاص دارد. این آمار گویای فقر و کم‌کاری در حوزه پژوهش‌های سیاسی و اجتماعی پیرامون کلیله و دمنه است.

«محمد محسن حمیدی» (۱۳۸۶) در کتاب «آرام و بی‌قرار (فرهنگ سیاسی در ادبیات فارسی)» بخشی را به فرهنگ سیاسی در داستان‌های بیدپای اختصاص داده است. در این کتاب نویسنده تلاش کرده سیاست و حکومت را در ایران از چشم‌انداز فرهنگ سیاسی مورد بررسی قرار دهد و به این نتیجه رسیده است که تصویر قدرت سیاسی در داستان‌های کلیله و دمنه، تصویری منفی است و نشانگر ناکارآمدی و خدشه‌دارشدن مشروعیت سیاسی است. در کنار این مسایل، امنیت نیز در آن دوران به مساله‌ای جدی تبدیل شده و بحران‌های هویتی را دامن زده بود.

«نثر فارسی در سپهر سیاست» عنوان کتابی تألیف «مریم صادقی» (۱۳۹۴) است. در این اثر به مبانی و محورهای سیاسی و دینی و اجتماعی که موجب دگرگونی نثر فارسی و به ویژه نثرهای تاریخی و عرفانی شده پرداخته شده است. فصل پنجم این کتاب به بررسی مبانی و ابعاد سیاسی و دینی کلیله و دمنه اختصاص دارد و طی آن نویسنده اندیشه‌های سیاسی را در شش محور شاه، وظایف و ویژگی‌ها، دولتمردان و وزیران، انواع قدرت، ابزارهای رسیدن به قدرت، و راه‌های تثبیت قدرت بررسی کرده است.

هم‌چنین باید به مقاله‌ی «بررسی کارکرد قدرت و فرهنگ سیاسی در کلیله و دمنه» نوشته «جواد دهقانیان» (۱۳۹۰) اشاره کرد. در این مقاله نویسنده به جایگاه ادبی و فرهنگی اثر پرداخته و تفاوت جنبه داستانی و اندرزی آن را از دیدگاه فرهنگ سیاسی، با آثار مشابه بررسی کرده است. از دیدگاه وی الگوی ارایه شده از قدرت در کتاب، شباهت فراوانی با نظریه «حکومت فلاسفه» افلاطون دارد.

با نگاهی به پژوهش‌هایی از این دست در حوزه کلیله و دمنه‌شناسی در می‌یابیم جدا از اندک بودن آثاری که به تحلیل محتوای سیاسی و اجتماعی این اثر پرداخته‌اند، تقریباً در هیچ‌یک از آن‌ها اندیشه سیاسی منشی مورد توجه قرار نگرفته است. این نوشته در جستجوی اندیشه سیاسی منشی و بازکاوی هدف او از نگارش مقدمه بر کلیله و دمنه، با توجه به روش هرمنوتیک قصد است و از این جهت از پژوهش‌های پیشین متمایز می‌گردد.

چارچوب نظری

یکی از نظریه‌پردازان و روش‌شناسان تاریخ اندیشه سیاسی در روزگار ما «کوئینتن اسکینر»^۱ است. آنچه بیش از همه در تاملات فلسفی و نظریه‌پردازی‌های او از تاریخ اندیشه سیاسی اهمیت می‌یابد و وی را از هم‌عصرانش متمایز می‌کند، روش‌شناسی ویژه وی است. اسکینر نه تنها روش جدیدی برای مطالعه تاریخ عقاید و اندیشه‌های سیاسی پیشنهاد داده، بلکه در آثاری چون «شالوده‌های اندیشه سیاسی مدرن»^۲ (۱۹۷۸) و «ماکیاولی» (۱۹۸۱) به شکل عملی به پیاده‌سازی روش خود پرداخته است. عمده دیدگاه‌های روشی وی در جلد اول از مجموعه‌ی سه‌گانه «بینش‌های علم سیاست» با عنوان فرعی «در باب روش» که مجموعه مقاله‌های روش‌شناسانانه وی است، در سال ۲۰۰۲ به چاپ رسیده است. فصل نخست کتاب «دیدن امور آن‌گونه که هستند» نام دارد. عنوان این فصل گویای هسته اصلی استدلال و بینش وی و رویکردش نسبت به تاریخ اندیشه سیاسی و جنبه‌های اصلی روش‌شناسی اوست. اسکینر در تبیین محتوای اصلی دیدگاهش می‌نویسد:

«هسته اصلی استدلال من این است که اگر می‌خواهیم تاریخ فلسفه‌ای با روحیه‌ای حقیقتاً تاریخی نوشته شود، باید یکی از تکالیف اصلی خود را این بدانیم که متن‌های مورد بررسی را بر آن زمینه‌های فکری‌ای قرار دهیم که به ما این امکان را می‌دهند که از آنچه مولفان‌شان با نوشتن آن‌ها انجام می‌دادند سر در آوریم. البته این سودا در سرم نیست که به درون فرایند اندیشه

1. Quentin Skinner

2. The Foundations of Modern Political Thought

متفکرانی که مدت‌ها پیش درگذشته‌اند راه یابم؛ فقط مایلم برای پی‌بردن به مقاصد آن‌ها از فنون معمولی پژوهش استفاده کنم، تمایزاتشان را دریابم، باورهایشان را بفهمم و در حد اعلای امکان، به امور آن‌چنان‌که بوده‌اند پی‌بیرم.» (اسکینر، ۱۳۹۹: ۲۳)

بنابراین اگر هدف اصلی اسکینر را سر در آوردن از آن‌چه که مولفان با نوشتن متن‌هایشان انجام می‌دهند فرض کنیم، این دغدغه مطرح می‌شود که چگونه و با طی چه رویه‌هایی، امری که خطوط اصلی روش‌شناسی اسکینر بر آن‌ها استوار است، مشخص می‌گردد. «مسیری که اسکینر در این زمینه پیش پای پژوهشگران تاریخ‌اندیشه سیاسی قرار می‌دهد روشی جامع است که می‌تواند در همه مراحل انجام پژوهش، از گردآوری اطلاعات، تحلیل، پردازش و تدوین نتایج، تا نقد و بررسی آثار موجود به کار آید. (نوذری و پورخداقلی، ۱۳۸۹: ۹۸)

در عام‌ترین برداشت، هرمنوتیک را دانشی می‌دانند که به چگونگی فهم و تفسیر می‌پردازد. (پالمر، ۱۳۷۷: ۱۰) به طور کلی نظریه‌های تفسیری در مقابل نظریه‌های تبیینی اثباتی قرار می‌گیرد و «تفهم»^۱ برابر «تبیین» مطرح می‌شود. (معینی علمداری، ۱۳۸۵: ۱۵۳) در دیدگاه‌های تفسیری، زندگی و کنش‌های گوناگون آن بر پایه‌ی «معنا» دیده می‌شود. معنا مقوله‌ای بنیادی و فراگیر است که زندگی در لوای آن قابل درک می‌شود و مواردی چون عقلانیت، سنت، عاطفه، ارزش، احترام، عشق، انتقام، نفرت، موفقیت و فایده هر یک نوعی از معنا هستند. (منوچهری، ۱۳۸۷: ۵۴)

رویکرد اسکینر به هرمنوتیک و روش آن، در پاسخ به این پرسش کلی است که برای فهم یک اثر چه شیوه‌هایی را باید در پیش گرفت. در پاسخ به این پرسش دو رویکرد و روش «قرائت متنی» و «قرائت زمینه‌ای» در رویکردهای متعارف هرمنوتیکی وجود دارد. در روش اول، و با محوریت متون کلاسیک، تأکید اصلی بر متن است و آن را واجد عناصر فرازمانی در چارچوب «ایده‌های عام» و یا «حکمت فراتاریخی» با «کاربرد عام» می‌دانند. در این روش، متون

همیشه با انسان در ارتباط هستند و باید همواره از آن‌ها بهره‌گیری شود. بنابراین هدف این روش ارزیابی مجدد متون کلاسیک - جدا از زمینه اجتماعی و تاریخی شکل‌گیری آن‌ها - بر حسب کشف دیدگاه‌ها یا پرسش‌ها و پاسخ‌های فرازمانی مطرح شده در آن‌هاست. این روش از دو وجه سلبی و ایجابی تشکیل شده است. در وجه ایجابی تلاش برای تفسیر متن و کشف معنای آن فقط بر متن متمرکز است و فرض بر این است که هر متنی اگر به قدر کافی در آن تامل شود، پیام خود را ارائه می‌دهد. در وجه سلبی نباید به زمینه‌های شکل‌گیری و تاثیرگذار بر متن مانند زندگی مولف، اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی و فرهنگی مقارن تالیف متن پرداخت (مرتضوی، ۱۳۸۸: ۲۸۸).

اما طرفداران قرائت زمینه‌ای معتقدند صرفاً نمی‌توان اندیشه‌های یک متفکر را با رجوع به متون برجای مانده از او فهمید، بلکه باید به زمینه‌ای^۱ که در آن متون نگارش شده نیز توجه کرد. این زمینه‌ها می‌تواند مواردی چون زبان به کار رفته برای استدلال سیاسی در زمان متفکر، سنت‌های فکری، تنش‌های سیاسی، اجتماعی زمانه و دلایل مصلحتی وی برای انتشار افکارش باشد. بر این اساس زمینه‌گرایی را می‌توان وابستگی و اتکاء کامل اندیشه به محیط دانست (ر.ک. گلشنی، ۱۳۸۷: ۹۴).

روش‌شناسی اسکینر در فهم متون بر پایه انتقاد به دوروش بالا نهاده شده است. اسکینر در مقاله‌ی «معنا و فهم در تاریخ اندیشه سیاسی» در کتاب «بینش‌های علم سیاست» به برخی انحرافات و کژفهمی‌ها در فهم متون اندیشه‌ای اشاره می‌کند و به وجود سه اسطوره آموزه‌ها^۲، همسازی^۳ و پیش‌نگری^۴ در این زمینه می‌پردازد. از دیدگاه وی پایدارترین اسطوره‌ای که در این زمینه وجود دارد اسطوره آموزه‌ها هست که توسط مورخین آفریده شده است. این اسطوره ناشی از این پیش‌فرض است که مورخین در برخورد با متون کلاسیک انتظار دارند که نویسندگان آن‌ها به دنبال ارائه آموزه‌ای خاصی

1. Context
2. Mythology of Doctrines
3. Mythology of Choerence
4. Mythology of Prolepsis

باشد و به اشتباه برخی اظهارنظرهای پراکنده وی را به عنوان آن آموزه مطرح کنند در حالی که نویسنده چنین منظوری نداشته است (اسکینر، ۱۳۹۹: ۱۱۵). به باور اسکینر همان گونه که متن گرایمی نمی تواند به فهمنده متن بگوید که کدام اندیشه از یک اندیشمند، موجب شکل گیری اندیشه ای جدید در آینده شده است، (اسکینر، ۱۳۹۹: ۱۱۸-۱۱۹) زمینه گرایمی محض نیز به طور مستقل نمی تواند ما را به نیت مولف برساند و زمانی می تواند موثر باشد که انگیزه مولف را نیز بدانیم. البته زمینه اجتماعی می تواند ما را در کشف زمینه دوره خاص نگارش متن یاری کند و به این پرسش پاسخ دهد که در جامعه معین، چه معانی و مفاهیم قابل شناسایی وجود داشته که استفاده از آن ها برای کسی که قصد برقراری ارتباط داشته است، امکان پذیر بوده است (نوذری و پورخداقلی، ۱۳۸۹: ۱۱۱).

اسکینر روش هرمنوتیکی اش را برای فهم متون بر شیوه ای بنا می نهد که ریشه در نظریه «کنش گفتاری»^۱ «آوستین» دارد. در این نظریه، گفتار همیشه صرفاً برای بیان یک واقعیت به کار نمی رود، بلکه علاوه بر آن، برای انجام عمل و یا ایجاد تأثیری خاص بر مخاطبان نیز مورد استفاده قرار می گیرد. وی سه نوع کنش گفتاری «بیانی محض»، «مقصودرسان» و «کارگر» را مطرح می کند (نوذری و پورخداقلی، ۱۳۸۹: ۱۰۹). در این میان «کنش گفتاری مقصودرسان» مورد توجه اسکینر است. وی کشف معنای واقعی یک متن را در کشف نیت مولف در تالیف آن می داند.

منظور از کنش گفتاری مقصودرسان را توجه به کنش و عملی دانست که نویسنده با نوشتن متن و با در نظر گرفتن هدف و مقصودی خاص انجام می دهد. از نظر اسکینر تفسیر متن باید در جهت فهم این مقصود باشد. به این ترتیب برای درک مقصود نویسنده هم باید متن را مورد توجه قرار داد و هم زمینه ای که متن در آن شکل گرفته است. اسکینر برای فهم متن این مراحل را مطرح می کند:

1. Linguistic Action
2. Osteen

۱- روشن کردن معنی و موضوع متن

۲- مشخص کردن زمینه بحث برانگیزی که متن در چارچوب آن شکل گرفته است.

۳- توجه به نمادها و تصاویری که ذهنیت آن دوره را می‌سازند (گلشنی، ۱۳۸۷: ۹۹-۱۰۰). در کنار این مهم، تصرف در هنجارهای مرسوم^۱ زمانه از اهمیتی بالا در روش هر منوتیک قصد برخوردار است، در نگرش اسکینر، اندیشور و نویسنده تلاش می‌کند تا از هنجارهای رایج گذر کند و به جای آنها، هنجارهای مطلوب را ارائه کند تا در فهم و آگاهی اجتماعی خوانندگان و پیرامونیان خویش، تغییر ایجاد کند و هنجارهای جدید، ارزش‌ها و نگرش‌های متفاوت اجتماعی را ارائه دهد. در ادامه، تلاش می‌شود تا با بهره از این روش، برخی از اندیشه‌های طرح‌شده در مقدمه منشی بر کلیله و دمنه، بررسی گردد.

زمانه نصرالله منشی و زمینه شکل‌گیری متن

از دیدگاه اسکینر متون در پاسخ به پرسش‌های زمانه و زمینه نوشته می‌شوند؛ پرسش‌هایی متفاوت که در هر دوره بنا به مقتضیات آن تغییر می‌کند و به نوعی، نمایان‌گر روح و ذهنیت کلی دوره خود می‌باشد. به این ترتیب از نظر اسکینر متون، صرفاً مربوط به تراوش‌های درون‌زای مولف نیست، بلکه متن در ارتباط با زمینه و دوره خویش نوشته شده است (پورزکی، ۱۳۹۷: ۶۲). بنابراین برای آشنایی با اندیشه سیاسی نصرالله منشی آگاهی اجمالی از دوران زندگی وی لازم است. نصرالله منشی در دوران حکومت غزنویان می‌زیست که یکی از سلسله‌های ترک‌تبار و پارسی‌گوی ایرانی بودند که در فاصله‌ی سال‌های ۳۴۴ تا ۵۸۳ ه.ق در نواحی شرقی ایران به ویژه در سرزمین‌های فرارود و خراسان بزرگ حکومت می‌کردند. بر خلاف سامانیان که تلاش می‌کردند سیاست مستقلی در برابر خلفای عباسی در پیش بگیرند، غزنویان به ترویج و حمایت اسلام مورد نظر خلفای بغداد پرداختند.

سرآغاز حکومت غزنویان با نام «البتکین» گره خورده است. بعد از وی، «بلکتکین»، «بوری تکین» به قدرت رسیدند، سپس، «سبکتکین» که غلامی ترک‌نژاد بود به قدرت رسید که مؤسس واقعی دولت غزنویان بشمار می‌رود (جرفادقانی، ۱۳۷۴: ۱۰۳). پس از وی پسرش «محمود غزنوی» بر سر کار آمد.

دوران اوج غزنویان مربوط به وی و به ویژه فتوحات او در هند است. «سلطان مسعود» پسر محمود، یکی دیگر از پادشاهان مقتدر این سلسله است. بعد از سلطان مسعود، دولت غزنوی دچار انحطاط شد و سلاطین غزنوی به مدت یک و نیم قرن در بلاد شرقی به حکومت ادامه دادند که به دوره دوم غزنوی مشهور است، بعد از مسعود، سلاطین غزنوی، محمد، مودود، فرخزاد، ابراهیم، بهرامشاه، خسروشاه و خسرو ملک می‌باشند.

نصرالله منشی در دوران حکومت سه پادشاه آخر غزنویان، بهرامشاه، خسروشاه و خسرو ملک در دربار غزنویان خدمت می‌کرد. دلیل نامیدن ترجمه وی با عنوان «کلیله و دمنه بهرامشاهی» نیز همین موضوع است. «کیلفورد باثورث»^۱ در کتاب «تاریخ غزنویان» منشی را برجسته‌ترین شخصیت ادبی دربار بهرامشاه می‌داند که علاوه بر ادیب، دولتمرد نیز بوده و در دوره پادشاهی خسروشاه به مقام وزارت نیز رسیده است (کیلفورد باسورث، ۱۳۷۸: ۴۰۹). درباره زندگی نصرالله منشی اطلاعات چندانی در دست نیست، فقط اشاره‌های کوتاهی در کتاب «لباب‌الالباب» «محمد عوفی» و «مجمع الفصحا» نوشته «رضاقلی خان هدایت طبرستانی»، به همراه شرحی که وی در مقدمه ترجمه فارسی اش نوشته در دست است. ابوالمعالی از فضلالی قرن ششم و از منشی‌های دربار غزنوی بوده است و در دربار «بهرام شاه غزنوی» کار دیوانی را آغاز کرد و توانست تا منصب وزیری نیز پیش رود (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۴: ۲۲۵۲۷). عوفی در لباب‌الالباب درباره منشی و ارزش ترجمه او از کلیله و دمنه می‌نویسد:

... در فنون فضایل، رایت افتخار بر اوج فلک اثر برافراشتی؛ نظم و نثر تصرفِ قلم او را گردن نهاده و دقایق حقایق در پیش خاطر او ایستاده و توسن بیان، رام طبیعت او گشته... ترجمه کلیله و دمنه که ساخته است دستمایه جمله کتاب و اصحاب صنعت است و هیچ کس انگشت بر آن نهاده است و آن را قذح نکرده و از منشآت پارسیان، هیچ تالیف، آن اقبال ندیده و آن قبول نیافته... (عوفی، ۱۹۰۶: ۹۲).

منشی شعر هم می‌سروده است. عوفی وی را در زمره شاعران صاحب منصب دربار غزنویان قرار داده است، گویا قصیده‌هایی نیز به عربی و فارسی سروده است. سرنوشت وی مانند اغلب درباریان فاضل و درست، مطابق با آنچه که در ترجمه‌اش از کلیله و دمنه به دفعات ذکر کرده است، با توطئه بدخواهان، شوم بود. وی را به زندان انداختند. آورده‌اند این رباعی را از زندان به دربار سلطنتی می‌فرستند:

ای شاه مکن آنچه بپرسند از تو روزی که تو دانی که نترسند از تو
خرسند نه‌ای به ملک و دولت زخدای من چون باشم به بند، خرسند از تو
(عوفی، ۱۹۰۶: ۹۳)

اما ظاهر ادل سلطان با او نرم نمی‌شود، در زندان می‌ماند و سرانجام به قتل می‌رسد. آورده‌اند این رباعی را هنگام مرگ می‌سراید:

از مسند عزّ اگرچه ناگه رفتیم حمدلله که نیک آگه رفتیم
رفتند و شدند و نیز آیند و روند ما نیز توکلت علی الله رفتیم
(عوفی، ۱۹۰۶: ۹۳)

مهم‌ترین اثر بر جا مانده از او ترجمه کلیله و دمنه است. نویسنده کتاب تاریخ ادبیات ایران، حدس زده که تاریخ تألیف آن، باید بعد از سال ۵۱۱ و پیش از سال ۵۴۷ هجری باشد (صفا، ۱۳۸۵: ۵۴۳). نصرالله منشی در «دیباجه مترجم» درباره ترجمه‌اش می‌نویسد:

«این کتاب را پس از ترجمه ابن مقفع و نظم رودکی ترجمه کرده‌اند و هر کس در میدان بیان بر اندازه مجال خود قدمی گذارده‌اند، لیکن می‌نماید که مراد ایشان تقریر سمر و تحریر حکایت بوده است نه تفهیم حکمت و موعظت، چه سخن نیک مُبْتَرَّ رانده‌اند و بر ایراد قصه اختصار نموده» (منشی، ۱۳۸۸: ۲۵)

وی سپس امتیاز ترجمه‌اش را بر سایر ترجمه‌ها، توجه به هنجارهای مطلوب می‌داند و می‌نویسد: «و در جمله، چون رغبت مردمان از مطالعت کتب تازی قاصر گشته است و آن حکم و مواعظ، مهجور مانده بود بل که مدروس شده، بر خاطر گذشت که آن را ترجمه کرده آید و در بسط سخن و کشف اشارات آن اشباعی رود و آن را با آیات و اخبار و ابیات و امثال، موکد گردانیده شود، تا این

کتاب را که زبده چند هزار ساله است، احیایی باشد و مردمان از فواید و منافع آن محروم نمانند.» (منشی، ۱۳۸۸: ۲۵). در متن، هم به حکمت‌هایی که مورد غفلت قرار گرفته‌اند تاکید می‌شود و هم بر بسط سخن و آشکارسازی اشاراتی که در نوشته به کار رفته که لازمه آن، تصرف در متن بوده است. بر اساس هرمنوتیک قصد، می‌توان گفت که هنجارهای مرسوم در زمان نگارش دیباچه منشی محصول شرایط زیر است:

- ۱) اختناق و فشار سیاسی نظام استبدادی پادشاهی
 - ۲) تعصب و خشک‌اندیشی ناشی از حاکمیت ایدئولوژی خلافت
 - ۳) عدم مشروعیت حاکمیت در میان بخشی از جامعه به دلایل ملی یا مذهبی
 - ۴) نبود حکمت و خردورزی در جامعه و درس نگرفتن از حوادث زمانه.
- بازخوانی متن: اندیشه سیاسی در مقدمه نصرالله منشی بر کلیله و دمنه
الف. ساختار مقدمه

یکی از مراحل مهم هرمنوتیک قصد، خوانش متن است. دیباچه نصرالله منشی بر ترجمه کلیله و دمنه به لحاظ محتوایی از بخش‌های گوناگونی تشکیل شده است. در بخش نخست، پس از بیان حمد خداوند و ذکر مناقب پیامبر (ص) به «خصایص ملک و دولت» و محاسن عدل، اشاره شده و مواردی چون رابطه دین و سیاست و لزوم اطاعت از پادشاهان و همچنین کارکردهای عدل و سیاست بیان گردیده است. در بخش دوم، وی با ذکر فهرست بلندی از القاب و عناوین، به «بهرام‌شاه» غزنوی و ویژگی‌ها و وسعت سرزمین‌های تحت سیطره او پرداخته است.

بخش سوم به شرح احوال نویسنده اختصاص دارد. وی در این بخش به زندگی‌اش در دربار پادشاهان غزنوی و حلقه دوستانی که پراکنده شدند اشاره می‌کند. وی در این «مفارقت» به مطالعه کتاب‌های تاریخ و افسانه‌های گذشتگان روی می‌آورد تا این که فردی بنام «علی ابراهیم اسماعیل» که از فقهای جوان آن دوران بوده است نسخه‌ای از کلیله و دمنه را برای او هدیه می‌آورد. بخش چهارم مقدمه به سخنان «منصور عباسی» خلیفه وقت اختصاص دارد. منشی، معترف است که لزومی به ذکر آن نیست، اما سیاست

مذهبی غزنویان و ارادتی که آن‌ها به خلفای بغداد داشتند، وجود این عبارات را توجیه‌پذیر می‌کند.

در بخش پایانی وی به بیان فایده‌های کتاب پرداخته و یکی از آن‌ها را آشنایی با قواعد جهان‌داری ذکر می‌کند: «زیرا که معرفتِ قوانینِ سیاست در جهان‌داری اصل معتبر است و بقای ذکر بر امتدادِ روزگار ذخیرتی نفیس و به هر بها که خریده شود رایگان نماید.» منشی امتیاز ترجمه‌اش بر دیگر ترجمه‌های کلیده و دمنه را اصل قرار دادن تفهیم حکمت و موعظت به جای بیان صرف افسانه و حکایت می‌داند (منشی، ۱۳۸۸: ۲۵).

ب. سلسله مراتب قدرت

بندهای نخست دیباچه نصرالله منشی بر کلیده و دمنه ذکر سلسله‌مراتبی است که در نهایت قصد و نیت وی را که همان توجیه قدرت پادشاهان و لزوم اطاعت از ایشان در سایه هم‌عنانی دین و سیاست آشکار می‌کند. نویسنده به صراحت آن را بیان کرده است:

«بحکم این مقدمات روشن می‌گردد که دین بی مُلک ضایع است و مُلک بی دین باطل و چون مقرر گشت که مصالح دین، بی شکوه پادشاهانِ اسلام نامرعی است و نشاندن آتش فتنه بی مهابت شمشیر آبدار متعذّر، فرضیتِ طاعتِ ملوک را فواید دین و دنیا بدان باز بسته است، هم شناخته شود؛ و روشن گردد که هر که دینِ او پاکتر و عقیدتِ او صافی‌تر در بزرگداشتِ جانب ملوک و تعظیم فرمانهای پادشاهان، مبالغتِ زیادت واجب شمرد...» (منشی، ۱۳۸۸: ۶) در ادامه، در کنار اطاعت، تاکید می‌کند که نصیحت ملوک از ارکان دین است (منشی، ۱۳۸۸: ۶).

بنابراین برای شناخت بهتر انگیزه و مقصود منشی آشنایی با این سلسله مراتب ناگزیر است که ذیلاً به آن می‌پردازیم.

سلسله مراتب قدرت

خداوند ← پیامبر اسلام (ص) ← خلفای راشدین ← ملوک ← علما

الف. خداوند

سرآغاز مقدمه، طبق روال مرسوم تمامی متون، ستایش خداوند است، اما آن‌چه در این میان جلب توجه می‌کند تاکید بر جنبه‌هایی از صفات خداوند است که با جباریت و اعمال قدرت ارتباط دارد. خدای دیباچه، خدایی است که آثار قدرت او به روشنی روز و نور حکمت‌اش در شب تاریک می‌درخشد. خدایی که می‌تواند تار عنکبوتی را نجات‌بخش دوستانش بکند و پشه‌ای را به جنگ قوی‌ترین جباران روزگار بفرستد. این برداشت از خدا شمایل پادشاه مقتدر و آرمانی را دارد که می‌تواند الگویی برای اعمال قدرت زمینی باشد؛ قدرتی که تلاش شده تا در سراسر کتاب شرح داده شود و جنبه‌های گوناگون آن توجیه گردد، ویژگی‌های آن را این‌گونه می‌توان فهرست کرد:

۱) قدرت فراگیر توأمان با حکمت

۲) حمایت از دوستان و دشمنان با دشمنان

۳) عدم نیاز به وزیر و مشیر و پشتیبانی کسی در اداره امور.

ب. پیامبر اسلام (ص)

در دومین حلقه قدرت، منشی به پیامبر اسلام (ص) اشاره کرده است. این اشاره بسیار کوتاه است. نکته قابل توجه در این بخش، تلاش و مقدمه‌چینی منشی برای طرح مساله رابطه دین و سیاست و بیان توأمانی این دو و تمهید آن برای بحث لزوم وجود پادشاهان برای اعمال سیاست در دفاع و پشتیبانی از دین است. دلیل و توجیه اصلی وی برای این امر، لزوم جاودانگی دین اسلام و گسترش و توسعه آن در همه جهان است و در این باره به حدیثی از پیامبر که در آن به فراگیری دین اسلام اشاره شده، استناد می‌کند (منشی، ۱۳۸۸: ۴).

تمهید دیگر نویسنده در این جهت اشاره به سیر دعوت پیامبر به اسلام است. منشی معتقد است پیامبر در سیر ابلاغ و دعوت رسالت ابتدا به مدارا و صرفاً بیان آیات قرآنی مبادرت کرده، اما این شیوه به دلیل دشمنی و ستیزه‌خویی کافران کافی نبوده و لازم شده تا شیوه‌های سخت‌گیرانه‌تری بر اساس آیه‌های جهاد در پیش گرفته شود. آیه‌های جهاد لزوم جنگ با کافران را هم از وجه شرعی و هم عقلی اثبات می‌کند و با تکیه بر آن‌ها باید زمین از

وجود مشرکان پاک، و شریعت اسلام در دل‌ها مستقر شود (منشی، ۱۳۸۸: ۴).

ج. خلفای راشدین

اشاره به خلفا بعد از اشاره به پیامبر (ص) نشانگر ادامه راه پیامبر در طریقت آن‌ها است. دیدگاه منشی در این زمینه واقع‌گرایانه و عمل‌گرایانه است. از دید او هدف خلفا باید تحقق جاودانگی و فراگیری شریعت اسلامی باشد. خلفای پیامبر برای رسیدن به این هدف، اختیار مطلق در امر و نهی و حل و عقد دارند و فرمانبرداری از ایشان طبق آیه ۵۹ سوره نسا ادامه فرمانبرداری از خدا و پیامبر است. نتیجه‌ای که منشی از این امر می‌گیرد این است که اجرا و رواج دستورهای شریعت و عمل و بیان شعایر الهی بسته به کار و عمل پادشاهان دین‌دار و لزوم توأمانی دین و سیاست است. نویسنده با بیان عبارت معروف «الملک و الدین توأمان»، سعی در توجیه و مشروع خواندن استدلال دارد (منشی، ۱۳۸۸: ۴).

د. پادشاهان

منشی در سلسله مراتب قدرت پس از خلفا به پادشاهان می‌پردازد. از دیدگاه او پادشاهان سایه‌های خدا بر روی زمین هستند که بیان‌گر بدیل نظریه «فره‌ایزدی» است. مفهوم «فرّ» با همه اهمیتی که در اندیشه سیاسی ایران باستان و به طور کلی در آموزه‌های هندی و ایرانی دارد؛ در کلیله و دمنه نمود بارزی ندارد. دلیل این امر را شاید بتوان در مقاطع زمانی ترجمه این اثر به زبان‌های عربی و فارسی جست. در این دوره‌های زمانی که یکی، دوران ابتدایی شکل‌گیری اندیشه سیاسی اسلامی (دوره ابن مقفع) و دیگری در زمان «بهرام‌شاه غزنوی» است، برای ایرانی‌های مسلمان لزوم وجود فره‌ایزدی برای حاکمان رنگ باخته بود (ظهیری ناو و دیگران، ۱۳۸۹: ۸۲).

بازتولید این مفهوم در چارچوب اندیشه «پادشاه ظل‌الله» را در راستای یافتن پایه‌های جدید مشروعیت سیاسی سلاطین در حکومت‌ها و امارت‌های کوچک و بزرگ دوره اسلامی نیز می‌توان تحلیل کرد (احمدوند و دیگران، ۱۳۹۵: ۲۲). در کلیله و دمنه، جدای از مقدمه، در باب بوف و زاغ، در اشاره به فره اصطلاح «سایه آفریدگار» نیز به کار رفته است. توجیه منشی در اطلاق عنوان «ظل‌الله»

برای پادشاهان وجود صفت عدالت و تلاش آن‌ها برای آبادانی جهان و «تالف اهوای آن‌هاست. وی همچنین به ویژگی‌هایی چون «هیبت» و «مهابت» اشاره می‌کند (منشی، ۱۳۸۸: ۴).

توجیهاتی که در این زمینه ذکر می‌شود بیانگر ترجیح قدرت شمشیر بر زبان شریعت و منوط بودن اجرای شریعت و عبادات به آن است. «مهابت شمشیر» از دیدگاه منشی، عاملی است که موجب برقراری نظم، جلوگیری از به وجود آمدن اختلاف کلمه میان مسلمانان و دخالت آراء شخصی در امور مهم دین می‌شود. (منشی، ۱۳۸۸: ۵) در واقع این موارد را می‌توان کارکردهای قدرت از دیدگاه نصرالله منشی دانست. منشی در بیان بازدارندگی قدرت شمشیر به گفته‌ای از خلیفه دوم استناد می‌کند که در آن توانایی سلطان و حکومت و قدرت دولتی را در نهی مردم از معاصی و قبایح، بیشتر از کلام قرآن می‌داند (منشی، ۱۳۸۸: ۵).

ه. علما

منشی در بیان سلسله مراتب قدرت و در آخرین حلقه به علما اشاره می‌کند. از دیدگاه وی اهمیت علما در این است که علم و دانش تولید شده توسط آن‌ها می‌تواند ترسی را از خدا در دل انسان به وجود بیاورد که از هیچ راه دیگر امکان‌پذیر نیست. (منشی، ۱۳۸۸: ۵).

ج. مشروعیت قدرت حاکم با بهره از دین

یکی از دغدغه‌های منشی آن است تا برای پادشاه، مشروعیت بسازد و لزوم پیروی از او را برای مردم توجیه کند، بیشترین تاکید او در این زمینه، بر بهره‌گیری از دین و نظریه «ظل‌الله» است. منشی پس از ذکر سلسله مراتب، آن‌ها را مقدمه‌ای می‌داند برای یادآوری مجدد این مطلب که: «دین بی ملک ضایع است و ملک بی دین باطل» و برای دومین بار در مقدمه، همراهی دین و سیاست را مطرح می‌کند. این بار وی به دو آیه ۲۸ سوره فاطر و ۲۵ سوره حدید استناد می‌کند. نقطه ثقل بحث وی در این زمینه تاکید بر سه کلمه «کتاب»، «ترازو» و «آهن» است که در آیه ۲۵ سوره حدید^۱ آمده است (منشی، ۱۳۸۸:

۱. لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ

۵). از دیدگاه وی هر یک از این سه کلمه، مفهوم ویژه‌ای دارد که در نهایت تناسب، لزوم اطاعت از پادشاهان و توامانی دین و سیاست را اثبات می‌کند. بر این اساس منظور از کتاب، بیان شریعت، منظور از ترازو، بیان ابواب عدل و انصاف و منظور از آهن، شمشیر و مهابت پادشاهان است. وی در نهایت از این بحث نتیجه می‌گیرد که باید فرمان پادشاهان را اطاعت کرد (ر.ک. منشی، ۱۳۸۸: ۶). در این سطرها نویسنده، نوعی سرسپردگی و اطاعت محض از اوامر ملوک و پادشاهان را به تصویر کشیده و تجویز می‌کند. در نظام فرمان‌برداری که وی ترسیم کرده، افراد نه تنها باید جایگاه و منزلت پادشاهان را گرامی بدانند و بزرگ‌شمارند، بلکه باید در این کار «مبالغت» (زیادروی) نیز روا دارند و اندرزها و نصیحت‌های ملوک را از ارکان دین بشمارند و خالصانه در خدمت آن‌ها قرار گیرند. البته هر گونه سرپیچی و خلاف‌اندیشی نیز درباره ملوک (امام اعظم) از آن‌جا که هم تعرض به احکام شریعت است و هم خواص و عوام امت اسلامی را به دردسر می‌اندازد، مستلزم جزایی دنیایی و اخروی است (منشی، ۱۳۸۸: ۶).

د. همراهی دین و سیاست

یکی از مواردی که نصرالله منشی تلاش کرده تا با استناد به آن لزوم اطاعت از پادشاهان را اثبات کند و به مشروعیت آن‌ها رنگ و لعاب دینی ببخشد، طرح بحث توامانی دین و سیاست است و به تکرار در مقدمه کوتاه این رابطه را مطرح کرده است. در ابتدای مقدمه بعد از نعت پیامبر (ص) به این موضوع پرداخته و دلیلی را که برای این ارتباط ذکر می‌کند، لزوم پایداری امت اسلامی است و به یکی از احادیث پیامبر (ص) در این باره اشاره دارد:

«زمین از برای من درنور دیده و جمع کرده شد، پس بچشم من آورده شد مشرق‌های آن و مغرب‌های آن، زود باشد که پادشاهی من بتمامی آن جایها برسد که از برای من درنورده شد.» (منشی، ۱۳۸۸: ۴).

از دیدگاه منشی به استناد این حدیث، اختیار امر و نهی و تصرف در امور به جانشینان پیامبر نیز داده شده است و در قرآن نیز بنا به آیه ۵۱ سوره نساء بر اطاعت از آن‌ها تأکید شده است. استدلال منشی بر توامانی دین و

سیاست بر این ادعا قرار دارد که رواج دین و اجرای احکام و شعایر آن بدون قدرت حکومتی امکان‌پذیر نیست (منشی، ۱۳۸۸: ۴). دلیل دیگری که وی در این باره می‌آورد اشاره به حدیثی منسوب به پیامبر (ص) است که ایشان فرموده‌اند: «الملک و الدین توامان»: «پادشاهی و دین همراهند». البته بنا به گفته مجتبی مینوی این گفته نه حدیث پیامبر اسلام، که کلامی منسوب به اردشیر بابکان است. در ادامه استدلال‌ها در این باب، نویسنده نظریه «ظل الله» یا «پادشاهان سایه خدا بر روی زمین هستند» را یادآوری می‌کند: «به حقیقت باید شناخت که ملوک اسلام سایه آفریدگارانند، عزاسمه، که روی زمین بنور عدل ایشان جمال گیرد و بهیبت و شکوه ایشان آبادانی جهان و تالف اهواء متعلق باشد» (منشی، ۱۳۸۸: ۴).

وی آثار و نتایج توامانی دین و سیاست را مواردی چون حفظ نظم، حفظ امت اسلامی از اختلاف و رعایت اصول شرعی و قوانین دینی می‌داند. در این جا نیز کلامش را مستند به سخن خلیفه دوم و قرآن کریم می‌کند. ترسی که حاکمان در دل کافران و نافرمانان ایجاد می‌کنند، کاراتر از ترسی است که خداوند در دل آن‌ها می‌اندازد. وی با این مقدمات در نهایت، به این جمع‌بندی می‌رسد که «دین بی ملک ضایع است و ملک بی دین باطل» (منشی، ۱۳۸۸: ۵).

نتیجه مهم دیگری که منشی از بحث می‌گیرد، لزوم اطاعت از ملوک و فرمان‌برداری از آن‌هاست. وی می‌نویسد حال که مصلحت دین در گرو شکوه ملوک است، بنابراین لزوم اطاعت از آن‌ها مشخص می‌شود و در این کار فواید دینی و دنیایی است. جالب این جاست که وی میزان ایمان و عقیده به دین را با ترازوی اطاعت از پادشاهان می‌سنجد: «هر که دین او پاکتر و عقیدت او صافی‌تر در بزرگداشت جانب ملوک و تعظیم فرمان‌های پادشاهان مبالغت زیادت واجب شمرد (منشی، ۱۳۸۸: ۶). در کنار موارد یاد شده باید به این مسایل نیز در رابطه میان دین و سیاست در کلیله و دمنه اشاره کرد:

(۱) دین و سیاست، بر یکدیگر تاثیرگذارند.

(۲) دین بدون سیاست و سیاست بدون دین، سازنده نخواهد بود.

۳) تعهد و دین‌داری، پادشاهان را از انجام کارهای ناشایست باز می‌دارد و پیامدهای مثبتی چون اخلاص و تقوا دارد (ذبیح‌نیا و سنگگی، ۱۳۹۱).

ه. عدالت اجتماعی

یکی دیگر از مقولاتی که با تحلیل آن می‌توان به قصد و نیت نصرالله منشی در دیباچه‌اش بر ترجمه فارسی کلیده و دمنه پی برد، «عدالت اجتماعی» است. از دیدگاه او عدالت یکی از محاسن پادشاهی و زینت گران‌بها و اخلاقی و «ثمین‌تر حلیتی و نفیس‌تر موهبتی» (منشی، ۱۳۸۸: ۶) است و البته نه وظیفه و کارکرد حکم‌رانی. منشی در تبیین جایگاه عدل ابتدا به آیه ۲۶ سوره صاد اشاره می‌کند که «يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ»، خداوند در آیه، حضرت داود (ع) را که مقام پیامبری دارد به رعایت حق و عدالت، دستور می‌دهد و سپس می‌نویسد «طراوت خلافت به جمال انصاف و معدلت، متعلق است» (منشی، ۱۳۸۸: ۶).

در قدم بعدی وی به داستانی در صدر اسلام اشاره می‌کند که در آن یکی از منکران پیامبری با شنیدن آیه ۹۰ سوره نحل که فرمود «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ» و طی آن خداوند به داد و نیکی کردن به عموم و بخشش به خویشاوندان، امر و از زشت‌کاری و ستم‌کاری نهی می‌کند؛ ایمان می‌آورد و می‌گوید، تمامی آن چه در دنیا برای آبادانی عالم به کار شود و اوساط مردمان را در سیاست ذات و خانه و تبع خویش بدان احتیاج افتد، در این آیت پیامده است. (منشی، ۱۳۸۸: ۶) سومین تمهید نویسنده، اشاره به سخنی از اردشیر بابکان است: «ملک بی‌مرد مضبوط نماند و مرد بی‌مال قائم نگردد و عمارت بی‌عدل و سیاست ممکن نیست» (منشی، ۱۳۸۸: ۶) در نهایت تحلیل منشی از این سخنان خواننده را به این نتیجه می‌رساند که منافع عدالت بسیار و بی‌نهایت است، تمام مردم را شامل می‌شود و سیاست باید در خدمت، عدالت باشد. به این ترتیب، از دیدگاه وی اگر سود و عواطف و محاسن پادشاه فقط محدوده خاصی را در بر می‌گیرد و افراد برگزیده‌ای از آن منتفع می‌شوند، اما نفع عدالت، جمعی و «کافه مردم» را شامل می‌شود (منشی، ۱۳۸۸: ۶). برخی

از این منافع را وی این‌گونه فهرست می‌کند: آبادانی مملکت، ازدیاد برداشت محصولات کشاورزی، گشایش درآمدها، احیای زمین‌های بایر، آسایش فقرا، گسترش اسباب معیشت و کسب و کار پیشه‌وران (منشی، ۱۳۸۸: ۷).

نکته حایز اهمیت این جاست که وی «سیاست» و کارکردهای آن را از مفهوم عدل جدا می‌کند. سیاست در نگاه منشی، جنبه تنبیهی و قهری امور را در بر می‌گیرد و «امن راه‌ها و قمع مفسدان و ضبط مسالک و حفظ ممالک و زجر متعدیان» با آن است (منشی، ۱۳۸۸: ۷). در حالی که عدل، ناظر بر امور اجتماعی و آبادانی است؛ گرچه در نهایت، تضمین بقای عالم، منوط به رعایت عدل و سیاست و هدف غایی نیز رسیدن به کامکاری و سعادت است (منشی، ۱۳۸۸: ۷). از مزایای همراهی عدل و سیاست، آن است که «دوست و دشمن در ربقه طاعت و خدمت جمع شوند و نه در ضمیر ضعیفان آزاری صورت بندد و نه گردن‌کشان را مجال تمرد ماند» (منشی، ۱۳۸۸: ۷).

وی همچنین از منصور خلیفه عباسی بیان می‌کند که روزی در جلسه‌ای، گفت که به مردانی محتاج است، کسانی که بی‌ایشان کار ملک راست نتواند بود، چنان که تخت بی‌چهارپایه راست نیستند و یکی از آنان را خلیفه‌ای معرفی می‌کند که نکوهش مردمان او را از راه حق باز ندارد و دوم خلیفتی که انصاف مظلومان ضعیف از ظالمان قوی بستاند؛ و سوم ناصحی که خراج‌ها و حقوق بیت‌المال بر وجه استقصا طلب کند و بر رعیت حملی روا ندارد که من از ظلم او بیزار (منشی، ۱۳۸۸: ۲۸)، همه موارد حکایت از آن دارد که یکی از دغدغه‌های اصلی منشی، همانند بسیاری از دیگر نویسندگانی که در اندیشه سیاسی اسلام قلم زده‌اند، عدالت اجتماعی است و با این بیانها، سعی دارد تا به شاه و درباریان این پیام را برساند که قوام ملک به عدالت است.

و. هنجارسازی منشی در مقدمه

با توجه به آن چه گذشت، باید در نظر داشت که در هرمنوتیک اسکینر «مرسوم‌ساختن یک تغییر در دلالت و ارزشها، موجب تغییر در فهم و آگاهی اجتماعی می‌شود، این امر، عاملی برای بر کرسی نشانندن هنجار است و با رسوب‌شدن و شکستن رسوبها، ارتباط دارد (بهروزی لک، ۱۳۹۴: ۱۶۹).

حال، می‌توان گفت، هنجارهای مطلوب در دیدگاه نصرالله منشی که تلاش می‌کند تا آنها را بازسازی و معرفی کند، عبارتند از:

(۱) هشدار به شاه و کارگزاران به ارزش عدالت اجتماعی و نقش ثبات‌بخشی آن در حکومت

(۲) توجه به همراهی دین و سیاست و التزام به لوازم آن

(۳) گسترش حکمت و خردورزی و عبرت‌آموزی از روزگار

(۴) مشروعیت‌سازی برای نظام حاکم

(۵) حفظ امنیت و نظم‌بخشی امور جامعه با توجه به لزوم پیروی از قدرت سیاسی.

منشی تلاش کرد تا با نگارش مقدمه و بهره از زبان حیوانات در متن کلیله و دمنه، به طور غیرمستقیم، شرایط جامعه زمانه‌اش را بازسازی، نقد یا اصلاح کند و یا با جانبداری از خلافت و پادشاه و پشتوانه‌سازی و مشروعیت‌آوری برای آنان، زمینه را برای همگرایی و امنیت بیشتر در سلسله‌ای که دوران ضعف و فترت را می‌گذراند، فراهم آورد. او تلاش کرد تا از هنجارهای نامطلوب، به سوی هنجارهای بهینه‌گذر کند؛ نظام پادشاهی و جامعه را از ظلم، ناامنی، عدم التزام به شرع، بی‌وفایی، بی‌خردی و رفتارهای سست، به سوی عدالت، امنیت و حاکمیت شرع و عقل حرکت دهد و به جای هنجارهای احساسی و زودگذر، خردورزی، حکمت، پندآموزی و دوراندیشی را بر روابط قدرت حاکم سازد و تعامل مردم و شاه را بر پایه عدالت اجتماعی، بهتر کند.

نتیجه‌گیری

برای درک و استخراج اندیشه سیاسی نصرالله منشی، تلاش شد تا عناصر مهم متنی و زمینه‌ای مقدمه او بر کلیله و دمنه فهم شود. این امر با توجه به ظرفیت‌های روشی هرمنوتیک قصدگرای اسکینر و استفاده از آن امکان‌پذیر بود. بر این اساس، از سویی تلاش شد تا اوضاع سیاسی - اجتماعی نویسنده، به عنوان زمینه شکل‌گیری متن، مورد توجه قرار گیرد، زمانه‌ای که غزنویان، دوران افول را می‌گذراند و پادشاهان از هیبت و شوکت پیشینیانی چون محمود و مسعود غزنوی برخوردار نیستند، این سلسله با توجه به علایق مذهبی، خلافت بغداد را مشروع می‌پندارد و تلاش می‌کند تا با بهره از توان علمی

اطرافیان و منشیان، اطاعت از خلیفه و پادشاه را با مراجعه به نصوص دینی و سنت پیامبر اسلام (ص)، توجیه کنند.

از دیگر سو، با طرح پرسشی درباره قصد و نیت منشی برای نگارش دیباچه‌اش بر ترجمه کلیله و دمنه، به روندهای موجود در متن توجه شد و در خوانش متن مواردی چون سلسله مراتب قدرت، توجیه رابطه دین و سیاست، عدالت و لزوم اطاعت از پادشاهان مورد توجه قرار گرفت. با تجزیه و تحلیل موارد گفته شده این نتیجه به دست آمد که نصرالله منشی در پی مشروعیت بخشی هر چه بیشتر به قدرت حاکم و به ویژه توجیه شرعی آن و کارکردهای حکومتی بوده است. بنابراین محتوای مقدمه و سیر مطالب، از محتوای کلیله و دمنه جدا است و رنگ و بوی شریعت‌نامه‌ای آن بیشتر است، کتابی که صرفاً توسط مترجم ترجمه شده و در حال و هوای اندیشه‌های ایران‌شهری و فضای سیاست‌نامه‌ها و اندرزنامه‌های ایران باستان است.

محتوای مطالب دیباچه نصرالله منشی با آن که به لحاظ شکلی جدا از روح کلی کتاب که حاوی اندیشه‌های سیاسی ایرانی‌های باستان در چارچوب کلی «اندیشه‌های ایران‌شهری» نیست، اما بنا به مقتضیات زمانه زیست نویسنده و شرایط سیاسی و اجتماعی دوران آخر سلطنت غزنویان، دگرگونی‌هایی در آن به وجود آمده و سویه‌هایی از اندیشه‌های «شریعت‌نامه» نویسان در آن دیده می‌شود. این رویکرد با توجه به وابستگی فکری غزنویان به «بغداد» و خلفای عباسی حاکم بر سرزمین‌های اسلامی و سیاست‌های مذهبی آنان قابل درک است.

منابع

- احمدوند، شجاع و دیگران (۱۳۹۵)، «فهم و تطور اسطوره فره ایزدی؛ از عهد ساسانی تا دوران اسلامی»، مجله تحقیقات تاریخ اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۵.
- اسکینر، کونتین (۱۳۹۹)، بینش‌های علم سیاست (جلد اول: دریاب روش)، ترجمه فریبرز مجیدی، چاپ دوم، تهران، فرهنگ جاوید.
- پالمر، ریچارد (۱۳۷۷)، علم هرمنوتیک، ترجمه‌ی محمدسعید خنایی کاشانی، تهران، هر مس. پورزکی، گیتی (۱۳۹۷)، «گفت‌وگوی با متن، تلاقی‌گاه هرمنوتیک اسکینر و گادامر» پژوهش سیاسی نظری، شماره ۲۳، بهار و تابستان، صفحه‌های ۵۷ تا ۷۷.
- جرفادقانی، ابوشرف ناصح بن ظفر (۱۳۷۳)، تاریخ یمینی تصحیح جعفر شعار، چاپ سوم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- حمیدی، محمد محسن (۱۳۸۶)، آرام و بی‌قرار (فرهنگ سیاسی در ادبیات فارسی)، مشهد، خانه آبی ذبیح نیا عمران، آسیه و سمیه سنگگی (۱۳۹۱)، «تعلیم الگوی حکومت در کلیده و دمنه و گلستان سعدی»، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، سال چهارم، شماره ۱۳، صفحه‌های ۱۹۷-۲۳۶.
- سلمانی، مهدی، مجلی‌زاده، امین (۱۳۹۵)، «کتابشناسی کلیده و دمنه در زبان فارسی» آینه پژوهش، سال بیست و هفتم، شماره ۱
- بهروزی‌لک، غلامرضا، «بررسی تطبیقی اجتهاد و هرمنوتیک اسکینر»؛ در سیدباقری، سیدکاظم (۱۳۹۴) هرمنوتیک و اجتهاد در فقه سیاسی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- شمیسا، سیروس (۱۳۹۳)، سبک‌شناسی نثر، چاپ سوم، تهران، میترا.
- صادقی، مریم (۱۳۹۴)، نثر فارسی در سپهر سیاست، تهران، نگاه معاصر.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۸۵)، تاریخ ادبیات ایران، جلد اول، چاپ نهم، تهران، فردوسی.
- عوفی، محمد (۱۹۰۶)، لباب‌الالباب، تصحیح: ادوارد براون، بریل، لندن.
- ظهیری‌ناو، بیژن... (۱۳۸۹)، «سیر و تداوم اندیشه‌های ایرانی‌شهری در کلیده و دمنه»، پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، سال دوم، شماره ۷
- کیلفورد باسورث (۱۳۷۸)، تاریخ غزنویان، ترجمه حسن انوشه، چاپ دوم، تهران، امیرکبیر.
- گلشنی، علی (۱۳۸۷)، «فهم فلسفی و تاریخی اندیشه سیاسی بر اساس تلفیقی از نظریات اسکینر، اکشات و اسپریگنز» نامه مفید، شماره ۶۸، آبان، صفحه‌های ۹۳ تا ۱۰۸.
- مرتضوی، خدایار (۱۳۸۸)، «کاوشی در روش‌شناسی اندیشه‌های سیاسی (مطالعه موردی نقد اسکینر بر روش‌شناسی قرانت متنی)» فصلنامه سیاست دانشگاه تهران، دوره ۳۹، شماره ۱، بهار، صفحه‌های ۲۸۵ تا ۳۰۴.
- معینی علمداری، جهانگیر (۱۳۸۵)، روش‌شناسی نظریه‌ها در سیاست جدید، تهران، دانشگاه تهران.
- منشی، ابوالمعالی نصرالله (۱۳۸۸)، ترجمه کلیده و دمنه تصحیح و توضیح مجتبی مینوی تهرانی، چاپ سی و سوم، تهران، امیرکبیر
- منوچهری، عباس (۱۳۸۷)، رهیافت و روش در علوم سیاسی، تهران، سمت.
- نوذری، حسینعلی و پورخداقلی، مجید (۱۳۸۹)، «روش‌شناسی مطالعه اندیشه سیاسی: متدولوژی کونتین اسکینر» فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۱۱، تابستان، صفحه‌های ۹۵-۱۱۹.